

تحلیل ویژگیهای تاریخی و عناصر اصلی قصه حضرت موسی (ع) در پرتو شناخت فضای نزول آیات

فاطمه باباعلی

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

محمد مهدی تقدیسی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، واحد یادگار امام خمینی (ره) شهرری، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

جعفر نکونام

استاد، گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه قم، قم، ایران

فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ (شاپا) ۲۰۰۸-۲۰۲۱ سال ۱۷ شماره ۶۶- صفحه ۱۶۴-۱۳۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۲۵

چکیده

مطالعه قصه‌های قرآنی با تکیه بر فضای نزول، پرده از پاره‌ای از حقایق و مفاهیم بر می‌دارد. در این مقاله قصه‌ی حضرت موسی (ع) به عنوان برشی از تاریخ، با چنین رویکردی مورد مطالعه قرار گرفته است. این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال است که؛ ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه حضرت موسی (ع) چیست؟ و شناخت فضای نزول آیات تا چه حد بر شناخت این ویژگی‌ها و عناصر اصلی تأثیر گذار است؟ در این مقاله قصه حضرت موسی (ع) با تکیه بر شناخت فضای نزول آیات و با روش تحلیلی و تطبیقی، مورد بررسی قرار گرفته و به شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه‌ی قرآنی حضرت موسی (ع) نیز دست یافته از جمله: شرایط رعب و وحشت، تفکرات بنی اسرائیل و عملکرد آنان، بحث زمان و عقب و جلو رفتن رویدادها همراه با فضا سازی، توجه به عناصر و حوادث در عصر حضرت موسی (ع)، استفاده از الفاظ نشانگر قطعیت یا تردید و... البته آیات مربوط به قصه حضرت موسی (ع) متضمن قواعد کلی نیز هست که در زمان‌ها و مکان‌های دیگر نیز جاری و ساری است و این همان سنت الهی است.

واژگان کلیدی: «قصه‌ی قرآن»، «حضرت موسی (ع)»، «فضای نزول»، «ویژگی‌های تاریخی».

مقدمه

فرض بر این است که آیات و سوره‌های مربوط به قصه حضرت موسی (ع) در بستر، فضا و شرایط تاریخی خاصی نازل شده است. حدود نود سوره از قرآن در مکه و متناسب با حاجات و مقتضیات و حوادث دوره مکی رسالت حضرت محمد (ص) و حدود بیست و چهار سوره از قرآن در و مرتبط با حاجات و مقتضیات و حوادث دوره مدنی رسالت آن حضرت نازل گردیده است.

مراد از فضای نزول آیات مربوط به قصه، همین شرایط اجتماعی و تاریخی حاکم بر مردم مکه در دوره مکی و مردم مدینه در دوره مدنی است. مقصود ما نیز در این مقاله از فضای نزول همین شرایط عام و کلی حاکم بر مردم مکه و مدینه، در زمان نزول آیات قصص است و هرگز سبب نزول مصطلح که عبارت از یک حادثه خاص باشد، مقصود نیست؛ بر این اساس، برای تبیین فضای نزول آیات و از آن جمله آیات قصه حضرت موسی (ع) که در این مقاله محور بحث است، لزوماً از روایات اسباب نزول بهره برداری نمی‌شود؛ بلکه از روایات تاریخی و اشارات خود آیات درباره شرایط عمومی و کلی مردم مکه بهره برداری می‌شود.

مسأله‌ی مورد بحث مقاله، این است که قصه حضرت موسی (ع) در چه فضا و بستر تاریخی نازل شده و مناسبت و اقتضای نزول آن چه بوده و شرایط عام و کلی حاکم بر مردم مکه یا در زمان نزول آن چگونه بوده است؟ و ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه حضرت موسی (ع) چیست و شناخت فضای نزول آیات تا چه حد می‌تواند بر شناخت این ویژگی‌ها و عناصر اصلی تأثیر گذار باشد؟ زیرا در شناخت ویژگی‌ها و عناصر اصلی قصه حضرت موسی (ع) نیازمند بررسی و تحلیل‌های عمیق محتوایی هستیم و فرض بر این است که یکی از ابزارهای رسیدن به این هدف، شناخت فضای نزول آیات است.

در بیان روش تحقیق از شیوه‌ی توصیفی- تطبیقی استفاده شده است و با تحلیل محتوا و معارف استنباطی، راهکارها کاربردی خواهد شد.

پیشینه بحث

آیات قصه حضرت موسی (ع)، هم در مطاوی تفاسیر و سایر آثار و هم در مقالاتی مستقل مورد تحلیل قرار گرفته است که برخی از این منابع با نگاهی متفاوت به آیات مربوط به قصه حضرت

موسی (ع) توجه کرده‌اند اما با توجه به اینکه موضوع مورد بحث، «تحلیل ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه حضرت موسی (ع) در پرتو شناخت فضای نزول آیات» است، می‌توان گفت که؛ کتاب یا مقاله‌ای که به‌طور مستقیم به آن پرداخته باشد، یافت نشد. برخی کتاب‌ها مانند: همگام با وحی و شناخت نامه تنزیلی قرآن کریم تألیف عبدالکریم بهجت پور، حاوی بررسی‌های کلی بود که به عنوان مواد خام برای پیشبرد موضوع، مورد توجه قرار گرفت.

مهم‌ترین جنبه جدید و نو بودن این موضوع بحث فضای نزول آیات مربوط به قصه حضرت موسی (ع) و شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی آن است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در تفاسیر اعم از اهل تشیع و اهل سنت، بطور جدی به فضای نزول آیات نپرداختند و تقریباً فضای نزول آیات مسکوت نهاده شده است. این مقاله در مقام تدارک این خلأ علمی و تحقیقی به نگارش در آمده است.

آشنایی با فضای نزول هر یک از سوره‌های قرآن کریم، راهگشای تفسیر آیات، تشخیص هدف سوره و تبیین پیوند آیات آن سوره با یکدیگر است، هم آگاهی به فضای نزول از بیرون، شاهد خوبی برای استنباط دقیق مضامین سوره است و هم اجتهاد کامل از درون، زمینه مساعدی برای حدس فضای نزول است. غرض آن که، آشنایی با فضای نزول سوره، مفسر را در گزینش مناسبترین احتمال‌ها در تفسیر هر آیه و نیز تبیین صحیح مطالب جامع و کلی سوره یاری می‌کند. از این رو پیش از تفسیر هر سوره، باید از راه جمع‌بندی شأن نزول‌های معتبر آیات و تحلیل مسائل مهم فرهنگی، اعتقادی و تاریخی مقطع نزول سوره، با فضای نزول سوره آشنا شویم. (جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۵)، جلد ۲، صفحه ۳۷) نزول بسیاری از سوره‌ها، با رخداد‌های دوران رسالت پیامبر اکرم (ص) ارتباط دارد. ترسیم مجموعه شرایط، مناسبت‌ها، حوادث و ویژگی‌های مقطع نزول سوره، همان ترسیم فضای نزول است. فضای نزول و معارف سوره بر یکدیگر تاثیر متقابل دارد. قرآن کریم، خصوصیت‌های مکان و زمان نزول آیات را از نظر دور نکرده است. تعامل متقابل فضای نزول با رهاورد هر سوره، درباره‌ی سوره‌های مکّی و یا سوره‌های مدنی که مثلاً صحنه‌های جهاد مستمر و فتح و هزیمت و جنگ و صلح و مناظره و مباحله و دیگر رخداد‌های مهم سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

و... در آن‌ها مطرح بود، کاملاً مشهود است. این تعامل، گاهی صریح است و زمانی با فحوص و تامل به دست می‌آید. (همان، جلد ۳۷، صفحه ۴۶۲) البته لازم به ذکر است که‌شان نزول و جو نزول غیر از فضای نزول است؛ فضای نزول همان تقارن تاریخی آیه با سنت جاهلی است، یعنی در زمان بعثت سنتی جاهلی میان مردم رواج داشت و برای مبارزه با آن آیه یا آیاتی در این زمینه نازل می‌شد ولی‌شان نزول رخ دادن حادثه‌ای در زمان نزول قرآن است که حکم آن را از پیامبر اکرم (ص) می‌پرسیدند و آن حضرت منتظر وحی می‌ماند که جوابی در این زمینه بیاید، یا خداوند مستقیماً آیه‌ای را که ناظر به آن رخداد است نازل و حکم آن را مشخص کند (همان، جلد ۱۸، صفحه ۱۷۰) و جو نزول تحلیل یک سوره از جهت مناسبت هاست. پس می‌توان نتیجه گرفت که؛ سه عنوان شأن نزول، جو نزول و فضای نزول، افزون بر تفاوتی که دارند؛ یعنی اولی مخصوص یک یا چند آیه و دومی مربوط به یک سوره و سومی مربوط به همه‌ی قرآن است، تفاوت دیگری نیز دارد؛ شأن نزول تنها ناظر به تأثیر یک جنبه‌ی رخ داده‌ای خاص، بر نزول آیه یا آیات است ولی در فضای نزول سوره و همچنین جو نزول قرآن سخن از تعامل و تعاطی و تأثیر دو جانبه، فضای بیرونی با نزول سوره یا جو جهانی با نزول مجموع قرآن است، بدین معنا که هم فضا و جو موجود مقتضی نزول سوره و کل قرآن است و هم نزول سوره و تنزل مجموع قرآن فضا و جو را دگرگون می‌ساخت. برای شناخت فضای نزول سوره‌ها و بخصوص در این مقاله شناخت فضای نزول آیات مرتبط با قصه حضرت موسی (ع)، از منابع مختلف تفسیری، تاریخی و روایی و... می‌توان استفاده کرد. این رسالت مفسران و محققان قرآن است که کمبود موجود در بخش فضای نزول سوره‌ها را ترمیم کنند. قرآن کریم، با به تصویر کشیدن داستان‌ها و حوادثی در لابه لای آیاتش، در بحث فضا سازی هنرنمایی می‌کند؛ در واقع وقتی مردم خودشان به تنهایی در بعضی فضاها قرار بگیرند، درک درستی از آن فضا پیدا نمی‌کنند، در حالی که اگر همین فضا را با هنر ایجاد کنیم، مخاطب ارزش آن را بیشتر درک می‌کند. روش بیان قرآن در داستان کاملاً حسی و شهودی است. در واقع هر داستان می‌تواند خواننده را با فضای جدیدی آشنا سازد، که در کشف محیط، محتوا و به طور کل ویژگی‌های تاریخی به خواننده کمک می‌کند و همچنین، شناخت فضا در قصه، نقش بسیار مهمی در تفسیر و تحلیل آیات قصص دارد و ما را در شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه یاری می‌کند.

۴. شناخت فضای نزول آیات و تاثیر آن بر شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه حضرت موسی (ع)

بدون هیچ مقدمه‌ای، می‌توان مدعی شد که قرآن عمیق‌ترین تاثیر را در توجه مسلمانان به تاریخ از به جای گذاشته است. (روزنتال، ۱۳۶۸، ص ۳۹) قرآن نه تنها خود بخشی از مواد تاریخی را عرضه کرده، بلکه مسلمانان را تشویق به فراگیری تاریخ نموده تا در راه یابی به سوی هدایت و دینداری از آن بهره‌جویند، و این هردو، در ایجاد انگیزه دینی در وجود انسان‌ها، برای توجه به تاریخ موثر بوده است.

توجه مسلمانان به تاریخ انبیای گذشته که بعدها آن‌ها را به سوی متون تاریخی اهل کتاب کشاند و تاثیر بزرگی بر فرهنگ تاریخ‌نگاری و محتوای کتاب‌های تاریخی میان مسلمانان باقی گذاشت، ناشی از علاقه‌ی مسلمانان به تفسیر آیات قرآنی در زمینه‌ی تاریخ انبیا بود. (جعفریان، ۱۳۷۶، ص ۱۹) از جمله قصه تاریخی حضرت موسی (ع) که در ادامه پیرامون ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی این قصه مطالبی را بیان خواهیم کرد:

در قصه‌ی حضرت موسی (ع) از همان آغاز موسی به عنوان قهرمان و فرعون به عنوان ضد قهرمان در جدالی مهم و تاریخ‌ساز بین خیر و شر، مقابل هم و به عنوان عناصر اصلی در دوره‌ی تاریخی مربوط به بنی اسرائیل، نقش آفرین بودند.

در قرآن به دوران کودکی حضرت موسی (ع) اشاره می‌شود و از شخصیت مهمی بنام «آسیه» سخن می‌گوید؛ کسی که به عنوان یکی از چهار زن برجسته قرآنی است، و همچنین به شخصیت دیگری همچون مادر و خواهر موسی (ع) نیز اشاره می‌شود.

علاوه بر معرفی شخصیت‌ها، برخی مطالب در آیات نهفته است که با کمک شناخت فضای نزول، قابل اکتشاف و برای شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه ارزشمند است. به عنوان نمونه در سوره قصص خداوند می‌فرماید:

﴿فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَلِنَعْلَمَ أَنَّ وَعَدَ اللَّهُ حَقًّا ۗ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ﴾
(قصص: ۱۳)

در این آیه فضاسازی هنرمندانه و ظریفی وجود دارد؛ که عصر زیستن مادر موسی (ع) همراه با بی‌ایمانی وعدم توکل مردمان بوده و برگرداندن موسی به مادرش پاداش توکل و اعتماد مادر به وعده‌ی خداوند بوده است، چرا که در آیات پیشین اشاره به الهامی است که به مادر شده است.

از سویی در آیه ۱۳ سوره قصص تلویحاً بر مهرورزی والدین به فرزندان و اهتمام آنان بر تربیت ایشان تأکید دارد به‌ویژه مادران، که با وجود سختی و مشقت زیادی که در این راه متحمل می‌شوند، همواره به فرزندانشان عشق می‌ورزند. (برومند، محمد حسین، ج ۹۶، ص ۱۲)

پس از دوران کودکی، دوران جوانی حضرت موسی (ع) است و در پی آن حادثه‌ی قتل؛ در واقع مسأله مهم و سؤال برانگیز مسأله قتل است؛ واقعیت تاریخی که قرآن در طی چند آیه به آن و ماجرای توبه حضرت موسی (ع) اشاراتی داشته است: در آیات ۱۵ و ۱۶ سوره قصص موضوع نزاع حضرت موسی با مرد قبطی آمده که موسی پس از قتل قبطی پشیمان شد. مرحوم سید مرتضی در این خصوص بیان می‌کند: «این اعتراف در پیشگاه خدا از این جهت است که از او ترک اولایی سرزده و عمل مستحبی را ترک کرده است و می‌گوید خدایا مرا بیامرز. خداوند موسی را بخشود و او نسبت به بندگان خود آمرزگار و بخشنده نعمت است.» (طبرسی، ۱۳۶۰، ج ۱۸، ص ۱۷۵) همچنین آمده که؛ مأمون از علی بن موسی الرضا (ع) پرسید: پیرامون آیه ۱۵ سوره قصص، چه می‌فرمایید؟ حضرت پاسخ دادند: ... موسی با خود گفت «هذا من عمل الشيطان» یعنی این کارزار و منازعه بین دو جناح و سوسه شیطان می‌باشد و نه نفس کار موسی که دفاع از یک با ایمان بود و از خداوند نیز طلب عفو و بخشش نمود و خداوند نیز او را بخشید. (جزائری، ۱۳۷۵، ص ۳۵۰)

این آیات مربوط به سوره قصص با این ویژگی تاریخی در عصر پیامبر (ص) نازل می‌شود که به‌طور کل، گام تحول و فضای حاکم بر مکه، بحث اطمینان بخشی به جامعه‌ی مؤمنان درمورد ازین رفتن استضعاف آن‌ها با هزیمت و تضعیف مستمر جریان مستکبر و حفظ، نگهداری و پیروزی‌های پی‌درپی رهبر مستضعفان و وعده‌ی حاکمیت بخشیدن به مؤمنان، می‌باشد. (بهجت‌پور، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۷۱) و در بحث فضاشناسی می‌توان گفت که درونمایه‌ی این آیه و آیات مرتبط با آن به جریان حفظ و نگه‌داری بسیار عجیب حضرت موسی (ع) در میان فرعونیان اشاره دارد و همچنین بحث توبه ایشان؛ پس می‌توان نتیجه گرفت که این بخش از آیات در شرایط و فضایی بر پیامبر (ص) و

یارانش نازل شد تا برای پیامبر (ص) و یارانش، جهت محافظت در برابر کفر، مایه‌ی دلگرمی باشد و با شناخت این فضای نزول آیات قصه، می‌توان ویژگی‌های حاکم بر این دوره از زندگی حضرت موسی (ع) را مورد تحلیل و شناخت قرار داد.

در ادامه‌ی قصه طبق بیان قرآن، موسی مجبور شد مصر را به قصد مدین ترک کند. در قرآن حضرت موسی (ع) پس از خروج از مصر، به مدین می‌رود و با مرد صالح مدینی و دخترانش آشنا شده و با یکی از دختران ازدواج می‌کند و پس از ده سال چوپانی، شهر مدین را به قصد مصر ترک می‌گوید. اما در مسیر راه آتشی در کوه طور مشاهده می‌کند و به سمت آتش رفته و در آن جا خداوند با او سخن گفته و وی را به مقام پیامبری مبعوث می‌گرداند و او را همراه با برادرش هارون و به کمک معجزات، مأمور راهنمایی و ارشاد فرعون و فرعونیان می‌گرداند.

شخصیت همراه حضرت موسی (ع)، حضرت هارون (ع) است و موسی پس از به پیامبری رسیدن به نزد فرعون می‌رود و با عصای خود معجزه‌ای را برای فرعون آشکار می‌سازد، تا او به خدا ایمان آورد، اما او را جادوگر خطاب می‌کنند. موسی (ع) فرمان خداوند را ابلاغ می‌کند و در قرآن، بر تکبر و لجاجت فرعون تاکید شده که، حتی تا لحظه‌ی مرگ نیز دست از نافرمانی برنداشت، برعکس ساحران و حتی آسیه که ایمان آوردند. توجه به هر کدام از این رخدادها در شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه تاثیر گذار است.

آیات ۳۸ تا ۴۰ سوره ذاریات به این بخش از داستان یعنی فرستاده شدن حضرت موسی (ع) به سوی فرعون اشاره دارد. از سیاق سوره ذاریات بر می‌آید که این آیات در مکه و فضا و شرایطی نازل شده که، پیامبر (ص) نیز مانند حضرت موسی (ع) با دستان خالی به سراغ کفار آمد تا آنها را هدایت کند، اما با کتابی مبین و معجزه‌ای غیر قابل وصف چون قرآن، درصدد راهنمایی آنان بود؛ در قرآن با ذکر نافرمانی فرعون و تهمت‌های سحر زدن او به حضرت موسی (ع)، سعی در دلداری پیامبر اکرم (ص) و بالابردن تحمل وی در برابر انکار افرادی دارد که با تهمت سحر و جنون ایشان را آزار می‌دهند. از جمله اقدامات علیه پیامبر (ص) در مکه، مصوبه جمعی بود که، برای "هماهنگی قریش در ایراد تهمت به پیامبر" در آستانه موسم حج تشکیل شده بود. (ابن هشام، ۱۳۷۳، ج ۱،

ص ۲۷۰؛ بلاذری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۳۲) در مقابل این همه، رسول خدا (ص) مهربانانه پاسخ می دهد که ای مردم ... اگر سختم را بپذیرید، سود دنیا و آخرت خواهید برد و در صورت انکار، صبر و مقاومت پیشه خواهم کرد، تا خداوند میان من و شما حکم کند. (نصیری، ۱۳۹۶، ص ۹۸)

این نکات مهمی است که در بحث فضاشناسی قابل تامل و بالتبع در شناخت ویژگیهای تاریخی و عناصر اصلی قصه نیز تاثیر گذار است.

همچنین قرآن بر فضاشناسی توجه نموده، چرا که در دوران موسی (ع) در مصر بازار سحر و جادوگری گرم بوده است و این ویژگی تاریخی قصه است.

در ادامه ی قصه، تعقیب و گریز و غرق شدن فرعونیان در نیل حادثه ساز است. نکته مهم و اعتقادی در این جا، موضوع ایمان آوردن فرعون در لحظه مرگ است و همچنین بیرون افتادن جسد او از آب، که هر کدام جدا از بحث مفهومی دارای قابلیت هایی برای شناخت یکی از عناصر اصلی قصه، یعنی فرعون است.

در آیات ۹۰ تا ۹۳ سوره مکی یونس آمده که خدای سبحان بدن مرده فرعون را از آب بیرون افکند و این گونه درخواست نجات او اجابت گردید، تا سست ایمانها و کسانی از بنی اسرائیل که مرگ و حقارت فرعون را باور نداشتند به خود آیند و آن ذلت را به چشم ببینند و بدانند که از آن همه غرور، کبر و جبروت تو خالی اینک جز کالبدی ورم کرده و بی دفاع و ذلیل برجای نمانده است و آیت و مایه عبرت باشد.

پس از غرق فرعون، موسی با قومش به دستور الهی وارد سرزمین مقدس شدند و در پناه الهی به آرامش و آسایش رسیدند. در سوره اعراف آمده است:

﴿ وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَمَعَارِبَهَا ... ﴾ (اعراف: ۱۳۷)

در این آیه آمده است که پس از آن که فرعون و قومش را در دریا هلاک کرده بودیم، میراث ایشان و آن چه از ایشان باز مانده بود، به قوم بنی اسرائیل دادیم که در زمین مستضعف بودند و ضعیف و درمانده بودند. (رازی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۳۶۲)

مشارق و مغارب زمین، اشاره به سلطنت داود و سلیمان بر فرزندان اسرائیل است و حکومت پهناوری که آنان در فلسطین تشکیل دادند که از شرق تا غرب آن را در بر می‌گرفت. (معرفت، محمد هادی، ۱۴۲۷ق، ج ۱، ص ۴۴۷)

در بحث فضاشناسی دو عنصر مهم پند و هشدار در این آیات مشهود است و فضای عصر و نزول دارای این ویژگی و شرایط تاریخی است که مردم با شنیدن این آیات هشدار را بشنوند و از آن پند گیرند.

می‌بینیم که نافرمانی و لجاجت فرعون در قرآن مورد توجه قرار گرفته، و همچنین نافرمانی بنی اسرائیل تاکید شده است.

نکته قابل ذکر دیگر آن که از آغاز پیدایش دودمان بنی اسرائیل (اولاد یعقوب (ع)) هیچ قومی از ایشان، مانند قوم معاصر موسی (ع) مورد عنایت و مشمول نعمت و برکات خدایی قرار نگرفته بودند. (موسوی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۲) در تفسیر قمی نیز آمده است که، وقتی موسی (ع) بنی اسرائیل را از دریا عبور داد، در بیابانی وارد شدند، به موسی گفتند: ای موسی! تو ما را در این بیابان خواهی کشت، برای این که ما را از آبادی به بیابانی آورده‌ای، که نه سایه‌ای است، نه درختی و نه آبی. روزها ابری از کرانه افق برمی‌خاست و بر بالای سر آنان می‌ایستاد و سایه می‌انداخت، تا گرمای آفتاب آنان را ناراحت نکند و آخر شب مرغ بریان نازل می‌شد و داخل سفره هاشان می‌افتاد و هنگامی که می‌خوردند، سیر می‌شدند و دنبالش آب می‌نوشتند و سپس آن مرغ‌ها دوباره پرواز می‌کردند و می‌رفتند. (قمی، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۴۸) همچنین امر به موسی (ع) می‌شود که در سرزمین مقدس داخل شوند، به این معنی که در جنگ با حکامی که سیطره دارند، داخل شوند. (فخرآوی، ۱۳۸۷، ص ۵۹) در همین راستا در آیات ۹۳ تا ۹۵ سوره‌ی مکی یونس، پس از ذکر داستان برخی پیامبران و رفتار امت‌هایشان با آن‌ها و سرانجام تلخ متمردان و تکذیب‌کنندگان، به اندرز مردمان مکه می‌پردازد، تا بی‌جهت به تردید در آیات الهی و تکذیب پیامبر (ص) روی نیاورند و این توصیفی است از فضای نزول آیات. همچنین مفسران در این‌که مخاطب این آیات پیامبر (ص) باشد، تردیدی نکرده‌اند. (مشهدی قمی، ۱۳۶۸، ج ۶، ص ۹۷)

در سال دوم هجرت مصادف با جنگ بدر که پیامبر اسلام (ص) شورای نظامی تشکیل دادند، مقدار برخاست و گفت: "ای پیامبر خدا، قلب های ما با شما است و آن چه را خداوند به تو دستور داده همان را تعقیب کن . به خدا سوگند ، هرگز ما به شما سخنی را که بنی اسرائیل به موسی گفتند نخواهیم گفت." در ادامه به آیه ۲۴ سوره مائده اشاره می کند:

﴿قَالُوا يَا مُوسَى إِنَّا لَن نَدْخُلُهَا أَبَدًا مَا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَاتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾

(بنی اسرائیل) گفتند: «ای موسی! تا آن‌ها در آنجا هستند، ما هرگز وارد نخواهیم شد! تو و پروردگارت بروید و (با آنان) بجنگید، ما همینجا نشسته‌ایم!»

پیامبر (ص) از شنیدن سخنان مقدار، خوش حال گردید و در حق او دعا کرد. (سبحانی، ۱۳۸۳، ص ۴۷۸) نکته قابل ذکر اینکه ابن هشام (ابن هشام، ۱۳۷۳ش، ج ۱، ص ۶۱۵) و طبری (طبری، ج ۲، ص ۴۳۴) شورای نظامی پیامبر را در تاریخ خود مطرح کرده و متن پاسخ‌های مقدار را در کتاب خود آورده اند.

و نتیجه آن که، ارتباط بین فضای عصر پیامبر (ص) و عصر حضرت موسی (ع) و تطبیق ویژگی‌ها و عناصر اصلی هر دو دوره‌ی تاریخی، قابل تامل، بحث و بررسی است که در پرتو شناخت فضای نزول آیات به این نتیجه رسیده ایم.

در بحث فضاشناسی می توان گفت که؛ درونمایه‌ای این آیات، شک و تردیدی است که برخی از هم عصران حضرت موسی (ع) و پیامبر (ص) به آن دچار بودند و خدای متعال، پیامبر (ص) را مأمور می کند تا معارضان مکی را به عبرت‌گیری از وقایع پیش آمده میان دو پیامبر بزرگ خدا، نوح و موسی (ع) و معاندان ایشان، دعوت کند. (بهجت پور، ۱۳۹۰، ص ۱۲۳)

پس از این مرحله در دوره‌ی تاریخی مربوط به قصه حضرت موسی (ع)، به آن جا می‌رسیم که، حضرت موسی (ع) پس از یافتن آزادی، رفاه و اقامت قومش، به کوه طور رهسپار می‌شود، که قائله سامری پیش می‌آید؛ در قرآن در سوره طه آمده است:

﴿فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِيَ * أَفَلَا يَرُونَ أَنَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا﴾ (طه: ۸۸ و ۸۹)

قبل از هرگونه اظهار نظری لازم است، فضای حاکم بر بنی اسرائیل را بازسازی کنیم. کلمه «أُخْرَجَ» در آیه «فَأُخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورًا» پس برای آنان مجسمه گوساله‌ای که صدای گاو داشت، بیرون آورد؛ حاکی از این است که ساخت این گوساله توسط سامری به نحو پنهانی و دور از چشم مردم بوده است. (طباطبایی، ۱۳۶۷ش، ج ۱۴، ص ۱۹۲) از این رو قاعدتاً، ناگهان گوساله‌ای در میان بنی اسرائیل پیدا شد و سامری و اتباعش که بر طبق برخی روایات، پنج نفر از یک خانواده بودند (صدوق، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۲۰۱؛ بحرانی، ۱۴۰۲ق، ج ۳، ص ۷۷۵)، برای جمع‌آوری مردم، به تلاش و تکاپو می‌پردازند و عده‌ای را دور آن جمع می‌کنند. در همین حین حضرت هارون (ع)، برای مقابله با این جریان وارد عمل می‌شود و با مقاومت بنی اسرائیل مواجه می‌شود. (معرفت، محمد هادی، ۱۳۹۵ش، ج ۱، ص ۵۲۷) همچنین فضای حاکم بر آیه نشان می‌دهد بنی اسرائیل برای حضرت هارون (ع) همانند حضرت موسی (ع)، ابهت قائل نبودند، چراکه آن حضرت دارای شخصیتی قوی بود که در مقابل فرعون، با آن‌همه طغیان‌گری وی ایستاد، فرعون‌ی که بنی اسرائیل برای قدرت او حدی قائل نبودند؛ اما حضرت هارون (ع)، در زیر سایه حضرت موسی، تابع وی بود. (فضل‌الله، ۱۴۱۹ق، ج ۱۰، ص ۲۵۰)

از این دو آیه؛ اولاً متوجه می‌شویم که در قرآن به صدا به عنوان یکی از عناصر اصلی در قصه پرداخته است، ثانیاً در جایی بیان شده گوساله دارای صدا است و بلافاصله در آیه بعد آمده است که این گوساله نمی‌تواند برای بنی اسرائیل سخنی بازگوید، پس صدایی که از دهان گوساله خارج می‌شده، کلمات نامفهوم و بی‌معنایی بوده است، و جالب آن که قوم بنی اسرائیل در مقابل آن سر تسلیم فرو آوردند! قرآن که کلامش حق و سرشار از منطق و دلیل است در چند آیه بعد نیز علت این صدا را بیان می‌کند که، چطور ممکن است گوساله‌ی بی‌جان بتواند از خود صدا تولید کند. موسی از سامری علت این کار احمقانه را جویا می‌شود و در سوره طه پاسخ او بیان شده است که:

﴿قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي﴾ (طه: ۹۶)

برخی مفسران در تفسیر این آیه گفته‌اند: حضرت جبرائیل را هنگامی که برای غرق کردن فرعون و لشکریانش نازل شده بود سوار بر اسبی بهشتی دید. به هر حال سامری در این هنگام از موقعیت استفاده کرده و قدری از خاک زیر پای حضرت جبرائیل یا خاک زیر پای اسب او (بنابر تفسیر دوم)، برداشته و نزد خود نگاه داشته بود. از خاصیت‌های این خاک این بوده که به هر چیز ریخته می‌شد جان می‌گرفت و زنده می‌شد. سامری هم با آگاهی، آن مقدار خاک را بعد از ساختن گوساله، در آن ریخت و این باعث جان گرفتن و صدا کردن گوساله شد. (طباطبایی، ۱۳۶۷ش، ج ۱۴، ص ۲۷۳)

این‌ها نکاتی است که می‌توان در شناخت ویژگی‌های تاریخی مربوط به ماجرای گوساله پرستی بنی اسرائیل، از آن بهره جست و با شناخت فضای حاکم بر آیه و قصه‌ی مربوطه، در مسیر تحلیل و شناخت محتوای قصه پیش رفت.

البته اکنون که به عنصر مهم صدا توجه شد جای آن دارد که از درخشش عظیم و بی‌نظیر قرآن در آیه دیگر مربوط به این قصه سخن بگوییم و آن جا که؛ خداوند در کوه طور در درختی با موسی تکلم می‌کند و این شیوه‌ای است از عظمت هنر که با استمداد از تصویر و صدا، سخنی بس عظیم را به مخاطب عرضه کند، و یا حتی در ماجرای تقاضای رویت خداوند. (درآیه ۱۴۳ سوره اعراف آمده است که؛ خداوند در کوه تجلی کرد، اما هیچ کس یارای دیدن آن را نداشت) این تکنیک‌های هنری، کاربردی و راهگشا است، برای عرضه تصاویر و صداهایی که مخاطب قرار نیست صاحبان آن را ببیند.

با این توصیف و مقایسه می‌توان نتیجه گرفت که قرآن به عنوان منبع و حیانی می‌تواند ما را به حقایق و وقایع قصه برساند و یکی از راه‌های رسیدن به حقایق و ویژگی‌های تاریخی قصه، شناخت فضای نزول آیات است، که همان شناخت مناسبت‌ها، حوادث، ماجراها، شخصیت‌ها و زمان مکان و... است که در حکم عناصر اصلی قصه، تکه‌های پازل آن را تشکیل می‌دهند.

نکته قابل تأمل این است که حوادث و ماجراهای رخ داده در دوران حضرت موسی (ع) و تکرار آن در دوران حضرت محمد (ص) و بطور کل تکرار حوادث و ماجراهای مشابه در طول تاریخ، یک سنت تاریخی است؛ سنت، طریقه و رویه رایجی است که به طبع و مقتضای خود در اغلب

موارد یا به صورت دائم و همیشگی جاری باشد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶، ج ۳، ص ۲۵) و مراد از سنت‌های تاریخی، قوانین و قواعد ثابت الهی است که بر جریان تاریخ سیطره دارد.

این قوانین، همه افراد بشر را شامل شده و محدود به زمان و مکان امت‌ها نیست و افزون بر جهان شمولی، تبدیل‌پذیر و نحویل‌پذیر است (سوره فاطر/آیه ۴۳) بدین معنا که نه تغییری در آن راه دارد و نه قابل نقل و انتقال است. (همان؛ ج ۱۷، ص ۵۸) تغییر ناپذیری سنن الهی تاریخی و جریان آن در تمامی امت‌ها، خود به نوعی گویای تکرار تاریخ است؛ چه آن که این سنت‌ها در حیطه و گستره علت و معلول توجیه می‌شوند و اگر حوادث تاریخی را به عنوان معلولاتی در نظر بگیریم، خواهیم دانست که علت‌های مشابهی متوجه این معلولات است، بنابراین حوادث و رویدادهای تاریخ در صورت علل مشابه، در آینده نیز تکرار می‌شود. (ملا کاظمی، ۱۳۹۹، ص ۳۷)

خداوند در آیات قرآن ضمن اشاره به قصه انبیا و بیان سرگذشت آنان به پیامبر اسلام (ص) توصیه و تاکید می‌کند از شیوه رفتار انبیا گذشته پیروی کنند. (مراجعه شود به سوره احقاف آیه ۳۵؛ سوره فاطر آیه ۴؛ سوره آل عمران آیات ۳ و ۴) (پنجه پور، ۱۳۹۶، ص ۱۶۲)

۵. شناخت فضای نزول آیات و ارائه راهکار در جهت شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه حضرت موسی (ع)

در این مرحله با ارائه راهکارهای اصولی و کاربردی که از شناخت فضای نزول آیات به دست آمده است در صدد شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه هستیم تا بتوان از این راهکارها در جهت تحلیل و شناخت هر چه بیشتر محتوای و مفهوم قصه بهره گرفت. اما لازم است بدانیم که شناخت فضای نزول آیات مربوط به قصه حضرت موسی (ع) در دو عصر قابل تأمل است: ۱. عصر حضرت موسی (ع) ۲. عصر نزول. لازم به توضیح است که میان این دو عصر و فضا هماهنگی و تناسب وجود دارد، مثلاً بیان شد که اگر در عصر حضرت موسی (ع) به نافرمانی بنی اسرائیل اشاره شده است، همان محتوا در قالب آیات بر پیامبری عرضه می‌شود که با مکانی مواجه شده که چون بنی اسرائیلیان نافرمان هستند و لذا این آیات با هدف دل‌داری بر پیامبر (ص) و پیروانش نازل شده

است و یکی از راه‌های پی بردن به این هماهنگی و تناسب دو عصر، شناخت فضای نزول است؛ چرا که درونمایه و محتوای حاکم بر دو عصر و فضا یکی است.

در کتاب کامل قرآن هر آنچه بشردر پیمودن راه سعادت از اعتقاد و عمل به آن نیاز دارد را بیان شده است. چنین بیانی که نسبت به مطلب به طور مطلق تام و کامل باشد، اعتبار آن محدود به وقت مخصوص و زمان معینی نخواهد بود و از آن رو که مشتمل بر معارف اعتقادی، اصول اخلاقی، قوانین عملی و حقایق ثابت است، به مرور زمان قابل نسخ نمی‌باشد (طباطبایی، ۱۳۸۸، ص ۴۰) فرا تاریخی بودن قرآن بر این مطلب استوار است که تمامی آیات آن برای همیشه از همان اعتبار اولیه بر خوردار بوده و پاسخ گوی نیازهای بشر در همه زمان‌ها می‌باشد. حتی آیاتی که به قصه‌های قرآنی و سرگذشت پیامبران و اقوام و امت‌های ایشان می‌پردازد اگر متعلق به اقوام در زمان و مکان خاص است اما فرا عصری و فرا تاریخی است و یکی از دلایل اصلی بحث تکرار در تاریخ است.

با این توصیف راهکارهای کلیدی در جهت شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه در پرتو شناخت فضای نزول آیات قرآن، عبارت‌اند از:

در مسیر تحقیق و پژوهش پیرامون شناخت فضای نزول آیات، نیاز هست با احتیاط عمل کنیم، چرا که آیات قرآن به بیان کلیات پرداخته نه جزئیات و لذا برای رسیدن به جزئیات و ویژگی‌های تاریخی قصه به روایات و منابع موثق نیازمندیم؛ که البته برخی از این جزئیات تاریخی، اسرائیلیات هستند. هیچ تاریخ مقدسی با جزئیات بیان نشده است. تاریخ به هر لباسی در بیاید اقتضائات آن لباس را به خود خواهد گرفت. کمتر واقعه تاریخی را می‌بینید که درباره آن نقل قول‌های متفاوت نیامده باشد، در مورد قصه حضرت موسی (ع) مهم‌ترین مرجع خود قرآن است و نیاز داریم قبل از هر چیزی به پژوهش پیرامون آیات و خصوصا بحث شناخت فضای نزول تکیه کنیم که در پرتو آن به درک محتوایی، ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه نائل آییم.

در این خصوص باید به پژوهش در ماجراهای واقعی، ترتیب زمان حوادث و جغرافیا قصه توجه داشت که همانا شناخت فضای نزول آیات است. برای نمونه عدم توجه به ویژگی‌های جغرافیایی یا مکانی در روایت، گاه سلسله‌ی رویدادها را دچار تحول و تحریف می‌کند. به عبارتی شناخت مجموعه‌ی تاریخی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی، به منزله‌ی علل یا دست کم بسترهایی

در روایت عمل می‌کنند و تحت عنوان فضاشناسی بر روند شناخت قصه تأثیر می‌گذارند و به اقتضای داستان، نمی‌توان از پژوهش درباره‌ی این عوامل در برهه‌ی تاریخی مورد نظر، بی‌نیاز بود. چرا که عوامل بالا بر یکدیگر تأثیر متقابل دارند. یا برای نمونه، نگاهی فرهنگی به برهه‌ای از تاریخ یا نگاهی سیاسی، بدون توجه به وضعیت اقتصادی، نگاهی ناقص و ناکامل است.

از سویی در پرتو شناخت فضای نزول، شخصیت‌های تاریخی و عناصر اصلی نیز جایگاه مناسب خود را می‌یابند. البته، شخصیت‌ها هستند که جریان‌ات اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... را می‌سازند. یعنی شناخت وضعیت‌های فوق، کمک خواهد کرد که نه تنها شخصیت‌ها، بلکه همه‌ی عناصر و اجزا قصه در جای مناسب و شایسته قرار گیرند.

از جمله راهکارهای شناخت ویژگی‌های تاریخی عصر حضرت موسی (ع)، و اینکه فضای عمومی مصر چگونه بوده؟ و یا چه اندیشه و افکاری بر ذهن مردمانش غلبه داشته؟ و اینکه مدین چگونه شهری بوده و چرا در سندهای تاریخی بر روی بیت المقدس تاکیدهای بسیار شده؟ و... توجه به فضای نزول آیات قصه است.

اگر بخواهیم به عمق رفته و از تصویر کردن صرف حوادث و ماجراهای صوری و ظاهری فراتر رویم، باید به این نوع فضا شناسی، تحقیق و یافتن این نگرش تحلیلی تن در دهیم. به نظر می‌رسد راه کار جبران آسیب‌های عدم تحقیق بایسته، این باشد که در پروژه‌های بزرگ باید تحقیق نه توسط یک نفر، بلکه توسط گروه پژوهشی صورت گیرد که، درباره‌ی تاریخ مقدس تخصص داشته باشند. (میرخندان، ۱۳۸۶، ص ۱۶۳)

یکی از راهکارهای دیگر، توجه به روش روایت است. مطالب متعدد قصه در قالب آیاتی متناسب با دیگر آیات و هماهنگ با دیگر مفاهیم در سوره، تنظیم شده است، که با در نظر گرفتن این آیات در شکل و شمایلی نظامند، باید از دو جهت یا دو زاویه دید به آن توجه شود: ۱. توجه به آیه در درون سوره: با دقت در مفاهیم آیات قبل و بعد، و مفهوم حاکم بر کل سوره، می‌توان به مفاهیمی دست یافت و از رهگذر شناخت فضای نزول، محتوای آیات قصه و درونمایه‌ی آن را فهم کرد. ۲. توجه به آیه در بیرون از سوره: با قرار دادن آیه در کنار دیگر آیات مربوط به قصه می‌توان تکه‌های

پازل را تنظیم و مرتب نمود و در پرتو نظم حاصل شده، به فهم محتوا و شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه رسید.

از سویی در برخی آیات قصه حضرت موسی (ع) نوع روایت یا راوی فرق دارد، مانند آیات ۶۳ به بعد سوره طه که، بخشی از قصه از طریق گفتگوی فرعون با مردم، و بخش دیگر از زبان خود قرآن به عنوان راوی، روایت می‌شود: در واقع در این آیات به مواجهه حضرت موسی (ع) و هارون (ع) با فرعونیان می‌پردازد (سید قطب، ۱۳۷۱، ص ۲۳۴۱) و از آن جا که در بحث فضاشناسی این سوره، می‌توان گفت که هدف دلگرمی و قوت قلب و کم کردن بار روانی پدید آمده بر پیامبر اکرم (ص) است، چرا که ایشان مانند حضرت موسی (ع) با طاغوت مبارزه می‌کرد تا مستضعفان را نجات دهد، (شریفانی، ۱۳۸۷، ص ۲۰۳) پس نباید مورد غفلت قرار گیرد.

لازم به ذکر است که در بیان قصه در قرآن، در برخی آیات شاهد بازگشت به زمان قبل یا پرشی به زمان آینده هستیم، که این تکنیکی هنرمندانه برای جذب و تحریک اشتیاق مخاطب است.

در مسیر شناخت ویژگی‌های تاریخی و فهم قصه، توجه به هر کدام از عناصر اصلی و سازنده قصه حضرت موسی (ع) ضروری است؛ آیه‌های ۱۵ تا ۲۸ سوره مکی قصص به درگیری حضرت موسی (ع) در مصر و خروج ایشان از شهر و ورود به مدین و ماجراها در آن شهر اشاره دارد؛ یکی از عناصر مهم داستان یعنی «گفت‌وگو» یا «مکالمه» در این آیات جلوه می‌کند. «گفت و گو» روح دمیده شده در کالبد قصه است. بدون این روح، مجموع واژه‌های قصه همچون توده‌ای از سنگ جلوه می‌کنند و مطالعه «گفت و گو» در قرآن را ضروری می‌سازد. (مستنصر میر، ۱۳۸۲، ص ۳۱۰) همچنین در قرآن بر حیا و عفت همسر موسی (ع) تأکید شده و با استمداد از عمل، این خلق و خصوصیت را به عنوان یک عنصر اصلی، ترسیم نموده است. خوش‌ترین ایام زندگی موسی همان ایامی بود که در خانه شعیب به سر می‌برد و از صحبت با وی برخوردار بود. (جواد المولی، ۱۳۶۷، ص ۱۱۷) حضرت موسی (ع) پس از اتمام ده سال از مدین به سوی مصر باز گردد، آن هم پس از غیبت طولانی. در واقع ترک موسی از مصر به سوی مدین با توجه الهی بوده است. (الدجانی، ۱۳۷۷، ص ۶۱)

نکته قابل ذکر اینکه در مسیر شناخت فضای نزول آیات، بیشتر گفت و گوهای قرآنی در سوره‌های مکی اتفاق افتاده است، مانند سوره قصص. این امر به دلایلی صورت گرفته است؛ چرا که، قریش دریافت که اگر نخواهد اسلام را خیلی پیش پا افتاده تلقی کند، با حضرت محمد (ص) و پیروانش وارد گفتگو شود. بنابراین سوره‌های این دوره بازتاب دقیق موقعیت گفت و گویی است که در دوره‌ای خاص از نبوت حضرت محمد (ص) رواج داشت. اما بعد از مهاجرت مسلمانان از مکه به، تغییر و تحولی اساسی رخ داد: ثبات جامعه و برپایی جامعه‌ای نوین، هم اکنون اصلی‌ترین وظیفه مسلمانان بود و آن فضا و موقعیت گفتگوی که در مکه وجود داشت، در بچشم نمی‌خورد. بدین ترتیب، دوره مدنی، گرچه به تمامی خالی از گفت و گو نیست و نمونه‌ها، حداقل بدان معنا که در سوره‌های مکی متداول بود، انگشت شمارند. بنابراین، نبود گفت و گو در مقطعی از نزول همان قدر اهمیت دارد که حضور آن در سایر مقاطع. پس نتیجه می‌گیریم در پرتو شناخت فضای نزول آیات می‌توان به شناخت عنصر اصلی مانند «گفت و گو» در قصه حضرت موسی (ع) رسید.

از نکات کلیدی و راهبردی در مسیر شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه، بحث شخصیت‌پردازی است و این حاصل نمی‌شود مگر این که زوایای شخصیتی حضرت موسی (ع) و دیگر شخصیت‌های قصه مورد توجه قرار گیرد، تا بتوان خصوصیت‌های غالب و شناساننده‌ی شخصیت را به صورت غیر مستقیم و در غالب عمل و رفتار شناخت، به گونه‌ای که حیای همسر حضرت موسی (ع) و ایمان و مقاومت آسیه (س) و دیگر ویژگی‌ها و حوادث قصه باورپذیر و تفهیم شود؛ مثلاً در سوره قصص آمده است:

﴿قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ﴾ (قصص: ۲۶)

مشاهده می‌شود که در این آیه به دو خصوصیت حضرت موسی (ع) آن هم از نظر آن دو زن مدینی اشاره، شده است؛ نیرومند و امین بودن. پس زمان مواجهه‌ی موسی (ع) با آن دو زن، این خصوصیت‌های موسی (ع) پر رنگ‌تر از دیگر وجوه شخصیتی ایشان قابل توجه است. اما نکته‌ای دیگر که از دید قرآن نیز مخفی نمانده، زمینه‌سازی ویژگی‌های شخصیت است، به این معنی که در چند آیه‌ی قبل با دادن کد و رموزی، ذهن مخاطب آماده پذیرش این موضوع خواهد شد که موسی

علاوه بر شجاعت و ظلم ستیزی، قوی و امین نیز هست و همچنین است در سوره مریم که به دیگر اوصاف حضرت موسی (ع) اشاره شده است:

﴿وَأَذْكُرُ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا﴾ (مریم: ۵۱)

راهکار دیگر، در جهت شناخت ویژگی‌های تاریخی قصه، توجه به بیان قرآن است؛ آیه‌ای با موضوع خاص ذکر می‌شود، و بعد از بیان چند آیه، مجدداً به سراغ همان موضوع می‌رویم. این نشان از تسلط همه جانبه‌ی آفریننده بر اثر خلق شده‌اش دارد و دقت قرآن و اوج بلاغت آیات هویدا می‌شود؛ مثلاً آن جا که در سوره طه خداوند متعال می‌فرماید:

﴿فَقُولَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَى﴾ (طه: ۴۴)

در این آیه به بخشی از قصه اشاره دارد که، قرار است موسی (ع) به همراه هارون نزد فرعون بروند و خداوند دستورات خود را بیان می‌کند. (لعل) گاهی برای امید و توقع گوینده است و گاهی برای اطماع و امیدوار کردن مخاطب؛ یعنی امیدوار باشید که متذکر شود یا بترسد و هرگاه در کلام خدا واقع شود برای ایجاد امید در مخاطب است. (قرشی، ۱۴۱۲ق، جلد ۶، ص ۱۹۳). لفظ شاید در این آیه فضای تردید و دودلی همراه با امید را تداعی می‌کند، یعنی موسی (ع) با امید همراه با شک به سوی فرعون می‌رود، که با او به نرمی سخن گوید و خداوند از همان ابتدا می‌داند که امیدی به هدایت فرعون نیست، چرا که در چند آیه بعد، می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَى﴾ (طه: ۵۶)

«ما همه آیات خویش را به فرعون نشان دادیم ولی او تکذیب کرد و سر باز زد»

در روایت قصه و همچنین در امر هدایت و اتمام حجت باید مرحله به مرحله پیش رفت و تمام مسیرهای اعتراض را بست. خداوند می‌توانست از همان ابتدا بیان کند که فرعون هدایت نمی‌شود، اما مخاطب از خداوند حکیم انتظار فرصت و اتمام حجتی دارد که رسولی را برای هدایت می‌فرستد، تا شاید اندرز گیرد یا بترسد.

از این نکته ظریف معلوم است که با شناخت فضای نزول آیه، شک و دودلی موسی (ع) در امر هدایت فرعون به عنوان یک ویژگی مهم در قصه هویدا می‌شود.

در امر شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر قصه، باید به روشنگری و توصیف فضاهای قصه در آیات قرآن، توجه نمود؛ مثلاً موضوع خانه‌سازی بنی اسرائیل که در سوره یونس به آن اشاره شده است:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكَ مِمَّا بَمِصْرَ بُيُوتًا وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس: ۸۷)

این فضاشناسی آیه به ما کمک خواهد کرد که بدانیم، خداوند متعال به موسی و هارون (ع) دستور ساخت خانه‌هایی را می‌دهد که به معماری و نوع ساختار آن نیز توجه شده است که، کنار و مقابل یکدیگر بنا شوند.

در ادامه به مثال دیگری می‌رسیم که در پرتو شناخت فضای نزول، به شناخت عناصر اصلی و مهم «زمان» در آیه، دست پیدا خواهیم کرد؛ در سوره طه آمده است:

﴿وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرِبْ لَهُمْ طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَّا تَخَافُ دَرَكًا وَلَا تَخْشَى﴾ (طه: ۷۷)

و در جای دیگر در سوره‌ی شعراء می‌فرماید:

﴿فَاتَّبَعُوهُمْ مُشْرِقِينَ﴾ (شعراء: ۶۰)

ملاحظه می‌شود که در طی این دو آیه، توجه قرآن به عنصر زمان است؛ بیان می‌شود، موسی شبانه همراه با قوم مصر را ترک کرد و در آیه دیگر در سوره‌ی دیگر بیان شده است که فرعونیان در وقت برآمدن آفتاب در پی موسی و قومش رفتند، که این خود رهگشا است که در فاصله تاریکی شب تا طلوع آفتاب، موسی و قومش توانسته‌اند، از فرعون و سپاهش فاصله بگیرند. اما آن جا که مقابل رود خروشان نیل به هم می‌رسند این سؤال مطرح است که چگونه با این که موسی و قومش زودتر از شهر خارج شده‌اند، اما فرعونیان به آن‌ها رسیده‌اند؟ این نکاتی است که باید به آن توجه شود. شاید بتوان گفت که چند مسیر وجود داشته و فرعونیان از مسیر کوتاه‌تر، موسی و قومش را تعقیب کرده‌اند، یا شاید همراه داشتن زن و فرزند و حتی سالخوردگان سبب تأخیر قوم موسی شده باشد، یا پیاده راه

آمدن و یا موارد دیگر، که همه فرضیاتی است که ما را، در سایه پژوهش و شناخت فضای نزول آیات به شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه حضرت موسی (ع) می‌رساند. همچنین در مطالب پیشین بیان شد که موسی و فرعون در مقابل رود خروشان نیل به یکدیگر رسیدند. اما به راستی قرآن توصیف زیبایی از شکافته شدن دریا دارد، آن جا که در سوره شعراء می‌فرماید:

﴿فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ فَانفَلَقَ فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالطَّوْدِ الْعَظِيمِ﴾ (شعراء: ۶۳)

ملاحظه می‌شود که قرآن شکافته شدن دریا را به دو نیمه چون کوه بزرگ تشبیه کرده است و این جز هنر تصویر آفرینی قرآن گویای چه چیز دیگری است.

این آیه در دل سوره‌ی مکی شعراء قرار دارد و در بحث شناخت فضای نزول، می‌توان نتیجه گرفت که؛ شصت آیه نخست سوره شعراء نیز برای تسلی به پیامبر (ص) و مسلمانان، به نکات مشابه زندگی موسی (ع) با زندگی پیامبر (ص) اشاره دارد: از آن جمله: نسبت دادن جنون، تهدید به حبس، تهدید پیروان به شکنجه و قتل، فرمان هجرت پس از شدت توطئه‌ها. (بهجت پور، ۱۳۹۰، ج ۴، ص ۲۰) که همه به عنوان نقاط عطفی است که منجر به شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه می‌شود.

در واقع بن بست دعوت در مکه و اطراف آن در سال‌های یازدهم و دوازدهم بعثت، به کامل‌ترین شکل خود رسیده بود. طی این سال‌ها، تمام تلاش پیامبر (ص) در مکه، نه تنها ثمری به بار نمی‌آورد و به مسلمان شدن کسی منجر نمی‌شد، بلکه سفرهای تبلیغی پیامبر (ص) نیز حاصلی به دنبال نیامورد. اگر چه منابع تاریخی وخامت اوضاع مکه و شرایط غم بار مسلمین را عمدتاً در قالب حوادث سال‌های اولیه بعثت منعکس کرده‌اند و از وضع و حال مسلمین در سال‌های اوجگیری فشارهای قریش و توفیق آنان در محاصره کامل دعوت، سخنی نگفته‌اند، ولی به استناد آیات نازل شده در سال‌های مورد بحث، می‌توان به گوشه‌ای از رنج‌های حضرت رسول (ص) و مسلمین در مکه وقوف یافت. (زرگری نژاد، ۱۳۸۱، ص ۳۲۷) علامه طباطبایی هدف اصلی سوره شعراء را دلداری به پیامبر در برابر تکذیب‌ها و تهمت‌های قومش دانسته است. چرا که این سوره با بیان داستان‌های پیامبران

پیشین و یادآوری سرانجام دشمنان آنان، به منکران پیامبر هشدار داده است. (طباطبایی، المیزان، ۱۳۸۸، ج ۱۵، ص ۲۴۹)

یکی از راهکارهای مهم دیگر توجه به فضای احساسی موجود در آیات است. در برخی از آیات قرآن مخصوصاً قصه‌های قرآن نشانه‌هایی از احساسات درونی همچون خوشحالی، ترس، اضطراب، استرس و نهفته است که کشف این احساسات در فهم قصه بسیار مؤثر است. مثلاً در قصه‌ی حضرت موسی (ع) اضطرابی که مادر حضرت موسی (ع) از انداختن او در رود نیل داشت، یا احساس پیچیده ترس و شادی مادر هنگامی که برای شیر دادن پسرش به قصر فراخوانده می‌شود، قابل تامل است؛ در سوره قصص آمده است:

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ فَإِذَا خِفْتِ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكِ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ﴾ (قصص: ۷)

از این آیه متوجه ترس و نگرانی مادر موسی (ع) می‌شویم و الهامی که خداوند بر مادر می‌کند تا موسی را شیر بدهد و نگرانی نداشته باشد و او را به رود نیل بسپارد. نمایش این گونه احساسات در فضای آیات، ما را به شناخت شرایط و ویژگی‌های تاریخی عصر حضرت موسی (ع) رهنمود می‌کند؛ ویژگی‌هایی که از قبیل، رعب و وحشت و خفقان حاکم بر بنی اسرائیل. به عبارتی جدا از بار معنای واژگان، برای رسیدن به این محتوا و شناخت احساسات می‌توان از فضای نزول آیات و شناخت مناسبت‌ها، حوادث و ماجراها و... کمک گرفت؛ شناخت عصر و فضای تولد حضرت موسی (ع) و اضطراب و ترس حاکم در آن دوره که بر اثر خواب فرعون، بر مردمان مصر مستولی شده بود، در فهم و انتقال مفاهیم احساسی تأثیر گذار است. از سویی این آیه پس از آیات ۱ تا ۶ سوره قصص آمده است که در این چند آیه، خداوند در قالب روایت محض کل، ماجرای فرعون را تا پیش از آمدن موسی (ع) و آینده‌ی قوم او را بیان می‌کند. همچنین در آیه ۵ سوره قصص، از پیروزی مستضعفان و پیشوایی آنان سخن گفته است.

در بحث شناخت فضای نزول آیات می‌توان گفت که در عصر پیامبر (ص) شرایطی مشابه عصر حضرت موسی (ع) بوده است به طوری که: محمد ابن اسحاق گوید کفار قریش چون با سید صحابه‌ی

پیامبر (ص) هیچ کاری نمی‌توانستند بکنند، ایشان را می‌رنجانند، باهم مواضعت کردند و هرکس که عاجزتر بود و از مسلمانانی که قبیله و عشیره و مددی نداشتند، به عذاب می‌کشیدند و بعضی را به گرسنگی و بعضی را به تشنگی و بعضی را به آفتاب گرم. ایشان را می‌بردند و چوب می‌زدند، تا بعضی که در مسلمانی ضعیف حال بودند مُرتد می‌شدند و بعضی که قوی حال و صاحب نفس بودند، در بلا صبر می‌کردند و در مسلمانی ثابت قدم بودند، مانند بلال حبشی. (ابن هشام، ۱۳۷۳، ص ۱۴۶) در این شرایط آیات سوره قصص نازل شده است که هماهنگی و تناسب عصر دو پیامبر، در پرتو فضاشناسی آیات مشهود است.

به طور واضح در این آیات احساسات ناشی از فضای حاکم در عصر پیدایش قصه و بالتبع عصر نزول، نشان داده می‌شود و توجه به این که کدام از آیات در مواقع حساس بیان کننده چه حسی‌اند و آن سکانس یا بخش از قصه باید با چه حسی نشان داده شود و نمایش آن حس چقدر می‌تواند در خدمت بیان هدف آیات قرآنی باشد، می‌تواند به شناخت ویژگی‌های تاریخی قصه کمک کند تا در پرتو شناخت فضای نزول آیات، فهم کامل‌تری از قصه داشته باشیم.

یکی از راهکارهای دیگر آن است که؛ در قرآن گاهی در عین پرداختن به کلیات به جزئیات هم توجه می‌شود، اما گاه سخنی از جزئیات نیست. به عنوان نمونه گاه نام شخصیت‌ها مثل پدر همسر موسی (ع) ذکر نمی‌شود، یا ما نمی‌دانیم به راستی نام مؤمن آل فرعون چیست و گاه نام اجزای مهمی چون معجزات نیست، و برعکس به عنوان نمونه نام قارون ذکر می‌شود. این‌ها نکاتی است مهم و جدی که تحقیق پیرامون علل آن در پرتو شناخت فضای نزول آیات، راهگشا برای شناخت عناصر اصلی قصه خواهد بود.

یکی از موضوعات مهم دیگر در قصه حضرت موسی (ع) بحث تکرار است؛ گاه تکرار به دل زدگی منجر می‌شود، اما در قرآن با هر بار تکرار ماجرای جدیدی ترسیم شده، و مطمئناً بخش تکرار شونده حاوی مفهوم و مقصودی است که ارزش تکرار را داشته است و با شناخت فضای نزول محتوای تکرار شونده، بلاشک به شناخت ویژگی‌های تاریخی و حوادث و ماجراهای کلیدی قصه می‌رسیم.

یکی از راهکارها در سایه شناخت فضای نزول آیات، توجه به قهرمان و ضد قهرمان است؛ حضرت موسی به عنوان قهرمان، شخصیتی دارد با تمام خصوصیات انسانی و ضد قهرمان فرعون است که شخصیتی دارد با تمام خصوصیات انسانی؛ قرار است در مبارزه‌ای برابر، سپاه خیر و خوبی بر سپاه شر و بدی فائق آید. این فضا سازی و شناخت آن، ما را به سوی شناخت عناصر اصلی قصه سوق می‌دهد.

همچنین یکی از مهم‌ترین راهکارها توجه به داستانک‌ها است، چرا که هر کدام به طور مجزا در بردارنده‌ی اطلاعات و مفاهیمی هستند که در پرتو فضاشناسی آیات مربوط به این داستان‌ها مانند: موسی (ع) و خضر (ع)، بلعم باعورا، مؤمن آل فرعون، قارون و گاو بنی اسرائیل و... می‌توان نسبت به ویژگی‌ها و حوادث تاریخی عصر حضرت موسی (ع) و همچنین عناصر اصلی قصه، شناخت پیدا کرد.

لازم به ذکر است علاوه بر سورمکی، در سور مدنی نیز به قصه حضرت موسی (ع) پرداخته شده و با توجه به تناسب موضوعات مربوط به قصه ی حضرت موسی (ع) با حوادث و موضوعات عصر پیامبر (ص)، می‌توان نتیجه گرفت که مشکلات و موانع جدی همچنان در مدینه نیز وجود داشت و پیامبر (ص) و بارانشان با امید و توکل بر خدا مقابل آن ایستادگی می‌کردند و پیامبر (ص) از هر فرصتی بهره می‌گرفتند تا جامعه را اصلاح و قوانین مطلوب اجتماعی را پیاده کنند. قوانین مطلوب اجتماعی نزد پیامبر (ص) ارزش بود و با تکیه بر آن‌ها به دنبال ترمیم یا تغییر معیارهای نادرست بود. رسول خدا (ص) به دنبال تغییر همه ی صورت‌ها نبود، بلکه با تغییر مبنا در اعتقادات افراد کوشید تا مفاد و مضمون‌هایی بر مبنای این محور الهی در روح و کالبد جامعه جاری کند. (زرگری نژاد، ۱۳۹۸، ص ۷۲)

نتیجه گیری

فضای نزول آیات قصه‌ی قرآنی حضرت موسی (ع)، بازتابی از شرایط فرهنگی و رخدادهای ویژه‌ی تاریخی، در مدت نزول این آیات در بستر سوره‌های مکی و مدنی است و شناخت این فضا تأثیری شگرف بر شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه دارد.

مطالعات نشان می‌دهد که مفسران به فضای نزول آیات قصص عنایت نکرده‌اند و همچنین در منابع دیگر نیز با این دیدگاه کسی به سراغ آیات قصص نرفته است.

قصه‌ی اعجاب‌انگیز و واقعی حضرت موسی (ع) با تمام توصیفات، ویژگی‌های و قابلیت‌ها، مانند هر قصه‌ی دیگری، متشکل از ساختار و اندیشه است، ساختاری که همان شکل و فرم قصه و اندیشه‌ای، که همان محتوا و معنا است و شکل قصه آن را ارائه می‌دهد؛ بنابراین شناخت قصه، در فهم ساختار فکری یا همان اندیشه به ما کمک می‌کند. (جعفری، ۱۳۷۶، ص ۸۱) همچنین به دلیل حضور زمان در این قصه، به نوعی با تاریخ گره می‌خورد، اما نگرش قرآن به حوادث تاریخی و نیز شیوه ارائه و طرح آن با نگرش مورخان و شیوه وقایع نگاری رایج و نیز هدف قرآن تفاوت دارد. (جعفری، ۱۳۸۴، ص ۵) قرآن بسیار مقید است که هیچ تحریفی در واقعیت رخ ندهد و برخی وقایع را در سبک و قالبی هنری مانند قصه ارائه می‌دهد، بدون هیچ گونه اضافاتی.

این قصه‌ها در بردانده‌ی اغراض و اهداف بسیاری هستند مانند بیان اصل مشترک میان ادیان و پیروزی نهایی پیامبران بر دروغگویان، یعنی پیروزی خیر بر شر. توجه به این اغراض، تکلیف ما را درمراجعه به این قصص، روشن می‌کند، البته در پرتو فهم محتوا و شناخت فضای نزول آیات مربوط به قصه. در واقع با شناخت فضای نزول قصه، شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه حاصل می‌شود.

در فهم آیات با متن روبه رو هستیم و روشن است که هر متنی در جغرافیا و فضای خاصی شکل می‌گیرد که بر تعیین معنای آن متن اثرگذار است. حال اگر متنی بدون توجه به فضاهای خود، تفسیر شود، تفسیر ارائه شده از دایره تفسیر درست بیرون است.

فضا، مقوله بسیار عام است و هرکاری که انسان انجام می‌دهد، دارای جنبه‌ای فضایی نیز است. در واقع فضا بیانگر هر نوع ایجاد ارتباط، چه میان انسان‌ها و چه میان انسان و محیط است.

مفسران قرآن کریم عنایت ویژه‌ای به تبیین شأن و سبب نزول آیات نشان داده‌اند و اغلب به یک یا دو فضا برای فهم متن قرآن کریم معتقدند. آیت الله جوادی آملی به سه حوزه‌ی جغرافیایی برای فهم متن قرآن کریم معتقدند: جوّ نزول، فضای نزول و شأن نزول. جوّ نزول مربوط به مجموع قرآن کریم و فضای نزول مربوط به مجموع یک سوره است که عبارت است از تحلیل اوضاع عمومی، اوصاف

مردمی، رخدادهای و شرایط ویژه‌ای که در مدت نزول یک سوره در حجاز و خارج آن وجود داشته است. به دیگر سخن، در طی مدت نزول یک سوره در محدوده زندگی مسلمانان و جهان خارج حوادثی رخ داده و شرایطی خاص حاکم بوده است. کشف و پرده‌برداری از این رخدادهای و شرایط و تبیین آن در آغاز هر یک از سوره‌ها، ترسیم فضای نزول آن سوره خواهد بود. در فضای نزول سوره، سخن از تعامل و تعاطی (تأثیر دو جانبه) فضای بیرونی با نزول سوره است؛ بدین معنا که هم فضای موجود مقتضی نزول سوره بود و هم نزول سوره فضا را دگرگون ساخت، و شأن نزول نیز مربوط به یک یا چند آیه است. آن چه در این جا با موضوع این پژوهش مرتبط است، فضای نزول هر سوره است که با معارف آن تأثیر و تأثر متقابل و دو جانبه دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۵۴)

آشنایی با فضای نزول هر کدام از سوره‌های قرآن کریم، راهگشای تفسیر آیات، تشخیص هدف سوره و تبیین پیوند آیات آن سوره با یکدیگر است. همان‌گونه که تحلیل دقیق مفاهیم آیات سوره، راهنمای مناسبی برای حدس به فضای نزول خواهد بود. بنابراین، هم آگاهی به فضای نزول از بیرون، شاهد خوبی برای استنباط دقیق مضامین سوره است، و هم اجتهاد کامل از درون، زمینه مساعدی برای حدس فضای نزول. هدف آن‌که، فضای نزول سوره، مفسر را در تبیین صحیح مطالب جامع و کلی سوره یاری می‌کند و در نهایت ما را در فهم قصه همراهی می‌کند.

همچنین از این رهگذر می‌توان با روش‌های دعوت و تبلیغ پیامبر(ص) نیز آشنا شد؛ پیامبر(ص) و یاران خاص ایشان، با تحمل رنج‌های فراوان، به کالبد بی‌جان جامعه خویش روح دین را دمیدند و با تحمل سختی‌های فراوان به اصلاح جامعه‌ی خود پرداخته و با بهره‌گیری از عنصر دعوت و تبلیغ، باورها و ارزش‌های متداول و رسوم آن جامعه را دگرگون ساختند. ایشان با روش خاص و برنامه‌ای مدون یکی از عظیم‌ترین تمدن‌های بشری را به وجود آورد و آموزه‌های مهمی که از این حرکت به دست می‌آید، این است که دعوت به حق، باید تدریجی، همگام با تکامل اندیشه صورت گیرد. ایستایی در حرکت دعوت هرگز با عمق رسالت پیامبر(ص) سازگاری و انطباق ندارد و در پرتو آن است که تکامل خرده‌ها، ایمان‌ها و عقیده‌ها رخ می‌دهد. (صفاکیش، ۱۳۹۴، ص ۱۲۱)

تعامل بین عصر پیامبر (ص) و عصر حضرت موسی (ع)، نکته‌ای مهم و غیر قابل انکار در فرایند شناخت فضای نزول آیات و بالتبع شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه است، و قصه‌ی قرآنی حضرت موسی (ع) با داشتن بطن‌های متعدد و سایه و سویه‌های بسیار نیاز فراوانی به کار پژوهشی و تخصصی دارد، تا بتوان در مسیر رمز شکافی و رسوخ در عمق معانی این قصه، موفق شد. همچنین لازم است به پژوهش در ماجراهای واقعی و تاریخی، توالی و ترتیب زمان حوادث و جغرافیای قصه توجه داشت، که این موارد زیر مجموعه‌ی شناخت فضای نزول آیات است.

شناخت فضای نزول آیات قصص، سبب شناخت بسیاری از وقایع و حوادث و به تبع آن شخصیت‌های اصلی و مکمل می‌شود. به عبارتی با شناخت فضا و شرایط حاکم بر نزول آیات، درصد شناخت هر چه بیشتر قصه‌ای هستیم که قرار است پرده از حقایق بردارد و ما را با ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه آشنا کند.

تا کنون هیچ کس در هیچ جا به طور گسترده این قصه‌ی قرآنی را با تکیه بر شناخت فضای نزول آیات، مورد تحلیل و شناخت قرار نداده است و ما در این مقاله درصد این بودیم که با شناخت فضای نزول آیات قصه، ویژگی‌های تاریخی، عناصر، ماجراها و جریانات حاکم بر محتوای قصه را آن گونه که هست، بشناسیم، چرا که شناخت فضای نزول آیات قصه، همان شناخت مناسبت‌ها، حوادث، ماجراها، دلایل صدور آیه، شخصیت‌ها، مکان، زمان و... قصه است، که در متن مقاله به نمونه‌هایی از این شناخت‌ها با ذکر آیه و عنصر قصه اشاره و راهکارهای کلیدی برای شناخت ویژگی‌های تاریخی و عناصر اصلی قصه حضرت موسی (ع) در پرتو شناخت فضای نزول آیات به تفصیل بیان شد.

حمد و سپاس پروردگار عالم، خدای مهربان و بخشنده که در تالیف و نگارش این مجموعه‌ی پژوهشی مرا یاری رساند. به انجام رسیدن این اثر در پرتو یاری و همراهی بزرگواری دلسوز صورت گرفت که یاد نیک از آن‌ها موجب یادآوری پیوسته الطافشان خواهد بود. از اساتید اندیشمند و عالی قدر، آقایان دکتر تقدیسی و دکتر نکونام، که از همان نخستین مراحل پژوهش تاکنون، مرا با اطلاعات مفید و بارانمای‌های عالمانه و صبورانه همراهی کردند، کمال تشکر و امتنان را دارم. از حمایت‌های بی‌دریغ پدر و مادر مهربان و دلسوزم و همسر با محبتم که در همه حال با تشویق و همراهی‌هایشان

نقش سازنده در پیشبرد این مجموعه‌ی پژوهشی داشته اند، کمال تشکر را دارم و همچنین دخترم، روح و جانم، که درک بالایش از شرایط مادر همیشه مایه‌ی آرامش و امید من بوده و هست و دوقلوهای عزیزم که عشق به آن‌ها مایه دلگرمی و امید به آینده است. در پایان برای همه‌ی کسانی که به صورت مستقیم و غیر مستقیم مرا در تألیف و تدوین مقاله‌ی پژوهشی یاری رساندند، آرزوی موفقیت و بهروزی را دارم و زحماتشان را پاس می‌دارم.

منابع

۱. ابن هشام، عبد الملک، (۱۳۷۳ش)، سیرت رسول الله (ص)، ترجمه رفیع الدین اسحاق ابن محمد همدانی، تهران، چاپ سعدی.
۲. بحرانی، سید هاشم، (۱۴۰۲ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، (۴ جلدی) بیروت، مؤسسه الوفاء.
۳. بلا ذری، احمد بن یحیی، (۱۴۱۷ق)، جمل من انساب الاشراف، بیروت، دارالفکر.
۴. الدجانی، زاهیه، (۱۳۷۷ش)، المفهوم القرآنی و التوراتی عن موسی (علیه السلام) و فرعون، لبنان، دارالتقريب بين المذاهب الاسلاميه.
۵. بهجت پور، عبدالکریم، (۱۳۹۰ش)، همگام با وحی، جلد‌های ۴ و ۵، مؤسسه تمهید، قم، ایران.
۶. جاد المولی، محمداحمد، محمد ابوالفضل ابراهیم، البجاوی، السید شحاته، (۱۳۶۷ش)، قصص القرآن، بیروت، دارالجيل.
۷. جزائری، نعمت الله، (۱۳۷۵ش)، قصص الانبياء یا سرگذشت پیامبران از آدم تا خاتم انبياء، ترجمه یوسف عزیزی، تهران، هاد.
۸. جعفری، حسینعلی، (۱۳۷۶ش)، بررسی هنری بهترین قصه قرآن، انتشارات سوره.
۹. جعفریان، رسول، (۱۳۷۶ش)، منابع تاریخ اسلام، قم، انتشارات انصاریان.
۱۰. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۵ش)، تفسیر تسنیم، جلد ۲، قم، مرکز نشر اسراء.
۱۱. رازی، حسین بن علی ابو الفتوح، (۱۳۷۱ش)، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.

۱۲. روزنتال، (۱۳۶۸ش)، تاریخ تاریخ نگاری اسلامی، ترجمه اسدالله آزاد، مشهد، آستان قدس رضوی.
۱۳. زرگری نژاد، غلامحسین، (۱۳۷۸ش)، تاریخ صدر اسلام (عصر نبوت)، تهران، انتشارات سمت.
۱۴. سبحانی، جعفر، (۱۳۸۳ش)، فروغ ابدیت؛ تجزیه و تحلیل کامل از زندگی پیامبر اکرم (ص)، قم، موسسه بوستان کتاب.
۱۵. سید قطب، ابن ابراهیم شاذلی، (۱۳۷۱ش)، فی ظلال القرآن.
۱۶. شریفانی، محمد، (۱۳۸۷ش)، بررسی قصص با رویکرد تحلیلی بر قصه‌های قرآن، قم، مهر امیر المومنین.
۱۷. صادقی تهرانی، محمد، (۱۴۰۶ق)، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی، چ ۲.
۱۸. صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۶ق)، کمال الدین و تمام النعمه، قم، مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۹. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۶۷ش)، ترجمه المیزان، جلد ۱، قم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
۲۰. طباطبایی، محمد حسین، (۱۳۸۸ش)، قرآن در اسلام، قم، بوستان کتاب، چ ۳.
۲۱. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، (۱۳۶۰ش)، تفسیر مجمع البیان، مترجم سید ابراهیم میرباقری، تهران، فراهانی، جلدهای هجده، بیست و سه.
۲۲. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، تاریخ الطبری؛ تاریخ الامم و الملوک، بیروت، التراث العربیه.
۲۳. فخرآوی، عبدالنبی علی الدارزی مکتبه، (۱۳۸۷ش)، لماذا تتکرر قصص الانبیاء فی القرآن الکریم، المنامه البحرین.
۲۴. فضل الله، محمدحسین، (۱۴۱۹ق)، من وحی القرآن؛ بیروت: دارالملاک.
۲۵. قرشی، علی اکبر، (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۷۸ش)، تفسیر القمی، نجف، مکتبه الهدی، جلد اول.
۲۷. مشهدی قمی، (۱۳۶۸ش)، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، جلد ۶، تهران، فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۲۸. معرفت، محمدهادی، (۱۳۹۵ش)، معرفت قرآنی، قم، ناشر: دانشگاه مفید.
۲۹. معرفت، محمدهادی، (۱۴۲۷ق)، نقد شبهات پیرامون قرآن کریم، مترجم: علی اکبر رستمی، قم، انتشاراتی التمهید.
۳۰. موسوی، محمد باقر، علی اکبر غفاری، (۱۳۷۰ش)، قصص قرآن تاریخ انبیاء، سیره رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) از بعثت تا رحلت، تهران، انتشارات صدوق.
۳۱. نصیری، محمد، (۱۳۹۶ش)، تاریخ تحلیلی صدر اسلام، قم، نشر معارف.
- ب: مجموعه مقالات
۱. برومند، محمد حسین، امیر جودوی و مهرداد عباسی. نشریه معرفت، جلد ۹۶، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره).
۲. پنجه پور، جواد، محمد مهدی شقاقی، احمد عابدینی (۱۳۹۶ش)، سیره تاریخی معصومین (علیهم السلام) در مواجهه با اقلیت های دینی، فصلنامه تاریخ، دوره ۱۲، شماره ۴۷.
۳. جعفری، یعقوب، (۱۳۸۴ش)، تاریخ در قرآن، تاریخ در آینه‌ی پژوهش (فصلنامه‌ی علمی-تخصصی)، سال دوم، شماره‌ی سوم، پاییز، شماره ۷.
۴. زرگری نژاد، غلامحسین، مهدیه پاکروان، (۱۳۹۸ش)، تحلیل انتقادی حمله به کاروان های تجاری قریش در سرایا و غزوات آغازین بعد از هجرت، فصلنامه تاریخ، دوره ۱۴، شماره ۵۳.
۵. صفا کیش، حمیدرضا، طیبه کاظمی ابیازنی، (۱۳۹۴ش)، عصر دعوت یا آغاز فرهنگ و تمدن اسلام، فصلنامه تاریخ، دوره ۱۰، شماره ۳۸.
۶. مستنصر میر، (۱۳۸۲ش)، خاستگاه هنر در دین (گفت و گو در قرآن)، مترجم: ابوالفضل حرّی، زیبا شناخت، شماره ۹.
۷. میرخندان، حمید، (۱۳۸۶ش)، «پژوهش در فیلم تاریخ مقدس»، رواق هنر و اندیشه، شماره ۱۶، آبان.
۸. ملا کاظمی، علی، دیگران، (۱۳۹۹ش)، انگاره تکرار تاریخ در اندیشه تفسیری علامه طباطبایی با محوریت آیه ۲۱۴ یقره، مطالعات تفسیری، شماره ۴۳، پاییز.